



## علل پیشرفت تجاری آرامنه جلفای نو در عصر صفوی (بر مبنای اسناد کلیسای وانک)

پدیدآورده (ها) : اعرابی هاشمی، شکوه السادات  
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1379 - شماره 39 و 40  
از 16 تا 27

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92288>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی  
تاریخ دانلود : 14/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



# علل پیشرفت تجاری ارامنه جلفای نو در عصر صفوی

(بر مبنای اسناد کلیسای وانک)

دکتر شکوه السادات اعرابی هاشمی

بنابر باره‌ای از منابع، حجم داد و ستد در ایران عصر صفویه، نسبتاً کم بوده است. اقتصاد تقریباً غیربومی، نقش بزرگ بخش کشاورزی، مشکلات حمل و نقل و سیاست اقتصادی شاهانه و عوامل دیگر از علل محدود بودن تجارت به حساب می‌آیند. اما با همه اینها، بازرگانان نقش مهمی در اقتصاد کشور داشتند ولی به سبب مداخله همه جانبه حکومت در اقتصاد و عدم وجود تشکیلات سازمان یافته دائمی شبیه تشکیلات اصناف، طبقه تجار از خود استقلال نداشتند و در گروه‌های کوچکتر و بر اساس مناسبت‌های، ملیتی، مذهبی، یا سلک بازرگانی در نوع گروه‌بندی سست، فعالیت می‌کردند و این تا حدی از نفوذشان می‌کاست. آنان برخلاف اصناف، مالیات کارگاه و مغازه نمی‌پرداختند اما بر کالاهایی که وارد می‌کردند، مالیاتی به صورت عوارض گمرکی تعلق می‌گرفت. تاجران ایرانی کالا بر بازار داخلی سیطره داشتند اما در تجارت خارجی از نفوذ چندانی برخوردار نبودند.<sup>(۱۲)</sup>

حلقه‌های واسطه و کلیدی تجارت داخلی و خارجی ایران عصر صفویه، بازرگانان ارمنی بودند. به گفته استاد باستانی پاریزی، اگر در میان آرامنه، طبقه‌ای به نام تجار وجود دارد، فی نفسه از نظر اجتماعی طبقه‌ای مستقل اما از نظر اقتصادی، لزوماً و اجباراً تحت تأثیر وضعیت اقتصادی حکومت صفویه بودند. خرید و فروش، عبور و مرور از مسیرهای تجاری چون جاده‌ها، پلها، کاروانسراها و وسایل حمل و نقل، اعطای امتیازات و... حاکی از تأثیرات وضعیت حکومتی بوده است.<sup>(۱۳)</sup> مع الوصف، تاجران ارمنی جلفا در عصر صفوی، توانستند در تجارت خارجی پیشرفت بسیاری نموده و با بازرگانان ارمنی در امپراتوری‌های عثمانی، هند و سرزمینهای اروپایی روابط بازرگانی برقرار نمایند و نه تنها به عنوان نمایندگان تجاری ایران، به فروش ابریشم ایران بپردازند، بلکه علاوه بر اینها در فعالیتهای بازرگانی خویش نیز مستقل عمل کنند. در این مقاله برآنیم عواملی را که منجر به پیشرفت تجاری آرامنه جلفای نو در عصر صفوی گردید، بررسی نماییم.

## الف) حمایت شاهان صفوی از تجار جلفا در قرن ۱۷م/ ۱۱هـ

شاه عباس قبل از کوچانیدن آرامنه، از تجربه عقلم و پیشینه تجاری، تجار ارمنی جلفا آگاه بود. در تاریخ آرامنه جلفا، فرمانی از شاه عباس مبنی بر آزادی تجارت خواجه نظر در ۱۰۵۹۰/ ۱۰۰۷هـ، پانزده سال قبل از مهاجرت آرامنه، آمده است:

«حکم جهان مطلع شد، آنکه به قرار استماع، خواجه نظر مسیحی به امر تجارت اشتغال دارد، لذا مقرر داشتیم که احدی از ولایه و عمال نواقلی و داروغه و سایر خادمان دارالحکومه و سهم گیران و دیگران هیچ حقی ندارند، دیناری اضافی بطلبند، چه به عنوان پیشکشی و یا تعارفی و انعام و هیچ توقع دیگری به هیچ طریقی نباید از خواجه نظر مذکور داشته باشند، پیرامون او نگردند و بی اجازه او به مال التجاره وی نزدیک نشوند و در داده‌وستند او هیچ مداخله نکنند و هیچ مزاحمتی ایجاد نکنند و از عواقب شکایت او بر حذر باشند. در این باره فداغین نماید و در عهده

شناسند (۲)».

شاه عباس تصمیم گرفت، جهت اجرای برنامه‌های گسترده تجاری خود، بویژه، عرضه ابریشم ایران به بازارهای بین‌المللی، از وجود خواجه‌های ارمنی استفاده کند. به گفته تاورنیه و دیگر سیاحان اروپایی، تجارت داخلی صفویه در دست ایرانیان و یهودیان و تجارت خارجی بطور کلی در تصرف ارمنه است که عامل پادشاه و بزرگان مملکت و به تجارت ابریشم مشغول هستند (۵)».

بدین منظور، جهت تشویق ارمنه، هفتاد و سه هزار تومان از مال دیوان به ایشان مساعدت کرد (۶)» و به هر یک از آنان که مایل بود، کمکهای نقدی و جنسی نمود تا در هند و کشورهای اروپایی به تجارت بپردازند و شاه در کار رونق بخشیدن به بازرگانی چنان موفق شد که به هنگام مرگش، عده بازرگانان این ناحیه [جلفا] که سرمایه‌شان از دو میلیون لیور درمی‌گذشت، بسیار بودند (۷)».

خواجه‌های ارمنی نه تنها از پشتیبانی شاهان صفوی برخوردار بودند، بلکه تا حدی نیز به عنوان نمایندگان طبقه حاکم شناخته می‌شدند. شاه عباس سعی نمود با پیش گرفتن سیاست تساهل و تسامح مذهبی نسبت به ارمنه، محیط آرام و مناسبی برای آنها بوجود آورد تا بتوانند با اروپا به تجارت بپردازند، بدین ترتیب واگذاری امتیازات از جمله آزادی ادبی مراسم مذهبی و ساختن کلیسا، در بطن سیاست وی برای توسعه تجارت خارجی قرار داشت و بدون آن، چنان توسعه‌ای امکان‌پذیر نبود.

نویسندگان ارمنی بخوبی از انگیزه‌های دلبستگی شاه عباس به مسیحیان آگاهی داشتند. مثلا اراکل دوازدهمین مورخ ارمنی قرن ۱۷م / ۱۱. شاه عباس اول را «زدهای دره‌ها نامیده و انگیزه اصلی علاقه‌شاه، نسبت به ارمنیان و فرآیندی می‌دانست که برای منافع شخصی وی باعث شدند» (۸).

شاه عباس برای آنکه ارمنیان و گرجیان و سایر مهاجران غیرمسلمان در مسکن تازه خود آسوده و خرسند باشند، به هر خانوار پول و زمین و وسایل کشت و زرع و گاو و گوسفند داد، و هر ملت و طایفه را به همان پیشه و کاری که در وطن اصلی خود داشتند، مشغول ساخت. مثلا ارمنه اروپا و نخجوان راه که در ارمنستان بیشتر به کشت غلات و تربیت موخو گرفته، و تهیه شرابهای گوناگون مشهور جهان بودند، زمینهای مخصوص و وسایل لازم برای ایجاد ناکستانها و شراب‌اندازی اعطا کرد و برای گرجیان که در تربیت کرم ابریشم مهارت داشتند، در زمینهای اطراف فرج‌آباد، نونستانهای وسیع پدید آورد (۹) و اهالی جلفا به کارهایی چون تجارت، صنعت، ساختمان سازی پرداختند، مسئله اشتغال حل شده، رفاه برای ارمنه وجود داشت (۱۰)».

فریر (R.W.Ferier) در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ارمنه و کیبانی هند شرقی در ایران، قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸م» می‌نویسد:

«ارمنیان در محله خود در حومه اصفهان به نام جلفای نو در ساحل جنوبی زاینده رود، گروه مجزایی را تشکیل می‌دادند، آنان نخبگانی

در امر بازرگانی با سنت‌های ویژه فرهنگی و مذهب خودشان بودند که در جمع خود می‌زیستند و هم از نظر ظاهری و هم از نظر ملی از ایرانیان جدا بودند. رابطه بین این دو، رابطه‌ای ظریف و شکننده مبتنی بر منافع متقابل، اعتماد و وابستگی و سعه صدر بود (۱۱)».

بنابراین بین حکومت صفوی و طبقه بازرگانان ارمنی، اشتراک منافع یا نوعی پیمان پدید آمد که برای هر دو طرف مقرون به صرفه بود. دولت شرایط مساعد تجاری برای خواجه‌ها ایجاد می‌کرد و آنها نیز با فعالیتهای تجاری خود سود سرشاری عاید خوانه‌شده می‌کردند.

پترو دلاواله یادآور می‌شود که اهالی جلفا برای شاه ایران همان نقش اهالی جنوا برای پادشاه اسپانیا را ایفا می‌کند و آنها بدون شاه و شاه بدون ایشان امکان حیات ندارند (۱۲)».

شاه عباس بدنبال چند مأموریت ناکام که به ایرانیان جهت برقراری روابط سیاسی و یافتن بازار فروش برای ابریشم واگذار نمود، در صدد شداز تجار ارمنی در برقراری روابط استفاده کند. تاورنیه درین باره به تفصیل توضیح داده است:

«شاه عباس که پادشاه عاقل فاعالی بود، دید مملکت ایران از حیث تجار، غنیم و به این جهت پول در مملکت بسیار کم است، مصمم شد، اشخاصی را با ابریشم خام ایران به اروپا بفرستد که میزان و تجارت و رواج آن را بدست آورده، به این وسیله شاید از خارج پولی داخل مملکت خود سنجاند و خواست اختیار ابریشم مملکت را خود بدست بگیرد یعنی به قیمت مناسب از رعیت بخرد، به خارج بفرستد، و تجارت نماید، همچنین تصمیم گرفت که دوستی سلاطین بزرگ اروپا را تحصیل نماید و ایشان را بر ضد ترکها بکند و متحد سازد، ابتدا کشیش کابوسان، پرنسوست، را به فرانسه فرستاد، لیکن وی بعد از فوت هانری به پاریس وارد شد و نتیجه‌ای عاید نشد.

سه چهار سال بعد شاه عباس سفیری به اتفاق یک تاجر ایرانی (۱۳) از اصفهان به اتفاق یک کشیش پرتغالی با مقدار زیادی ابریشم نزد پادشاه اسپانیا فرستاد.

در بین راه کشیش به خیال اینکه حقیقتاً خدمتی به پادشاه ایران بکند با قصد دیگری داشت به سفیر ایران گفت بهتر است ابریشمها را به عنوان هدیه به پادشاه اسپانیا بدهیم تا شان و شوکت پادشاه ایران بالا رود. لیکن بین سفیر و تاجر ایرانی نزاع در گرفت و تاجر قهر کرد و به ایران آمد. شاه عباس رفتار او را ناپسندید کرد و منتظر مراجعت سفیر شد. اما از بعثت بد سفیر در دربار اسپانیا با سردی مواجه شد و مجبور شد برگردد و شاه دستور داد در ملاعام شکمش را پاره کردند و تنها نتیجه عاید کشیش شد و در دربار اسپانیا به مقام اوکی سانتا ارتقا یافت دادند.

ده پانزده روز بعد شاه عباس مجدداً مقدار زیادی ابریشم به پسر یکی از تجار معسر اصفهان سیده او را به ونیز فرستاد و این جوان در انجام شعول کاهراتی و عیش و نوش و ولخرجی گردید که سرانجام مجلس ونیز اموال وی را که اسراف زیادی کرده بود، ضبط نمود و نامه موادی به پادشاه ایران نوشت و او را از واقعه آگاه کرد که فرامینی به ونیز فرستاد تا بقیه ابریشم را دریافت دارند و جمهوری ونیز مساعدت خواهد کرد که آنها را به قیمت

عالی تر بفروشد.

شاه عباس موقع را مغتنم شمرده، نامه نشکر آمیزی در جواب مجلس سنای ویز نوشته یک نفر از تجار زیرک اصفهان را به اتفاق شخصی به نام آنتونیو ووره که از هندوستان مراجعت کرده، به ویز می رفت و معروف به «خواجه آنتون» و اصلا اهل بین النهرین، اما برای تجارت در ویز ساکن شده بود، به اتفاق یک تاجر ویزی به نام «مطاس» و نیز یک نفر از تجار زیرک اصفهان را به اتفاق آن دو نفر وزیر فرستاد که ابریشمها را فروخته، تنخواهش را برای او بیاورد. آنها هم رفتند و ماموریت خود را موافق میل پادشاه ایران انجام دادند (۱۴).

شاه عباس بار دیگر در سال ۱۰۱۹ هـ، خواجه صفر ولد خواجه یادگار جلفائی را روانه ایتالیا نمود، تا اجناس و امتعه ای را که «فدیحی بیگ» (۱۵) به ویز فرستاده بود، بازپس گیرد و پس از انجام کارهای دیگری که شاه بدو محول کرده بود، به ایران آید. در همان حال نامه هائی نیز به پاپ رم و پادشاه اسپانی و پیشوای فرقه کار ملی در ایتالیا و دوک تسکانا و جمهوری ویز و سایر امیران محلی ایتالیا نوشت که با خواجه صفر در انجام دادن ماموریتهایی که به عهده داشت، همراهی کنند.

در قسمتی از نامه شاه عباس به پاپ رم در آوریل ۱۶۰۹ م / محرم الحرام ۱۰۱۹ هـ چنین آمده:

«... درین ولایت لاندیه الاشباه خواجه صفر مسیحی جلفائی، ولد خواجه یادگار جلفائی را که سوداگر خاصه شریفه است، و محل اعتماد است، جهت آوردن امتعه و اجناس مذکور بدان صوب فرستادیم که اجناس را گرفته، به راهی که خوف و دغدغه نبوده ماند، روانه جانب هر مزن نمایند (۱۶)».

خواجه صفر در شهر رم عریضه ای، به شاه عباس در رمضان ۱۰۲۸ م نوشت:

«... عرضه داشت بنده کمترین خواجه صفر ولد خواجه یادگار جلفائی بذروه عرض نواب کامیاب ... می رسانند، که الحمد لله والمنة که از صدقه سر نواب کامیاب همایون مجاز حالات اینجائی، بر حسب اراده و مدعای بندگان در گاه شد و آنچه اموال که در وندیک بود، به مجرد رسیدن میران وندیکی تسلیم بنده نموده و از وندیک با عزت و حرمت به خدمت پاپ روانه شدیم و امر نواب همایون را که داریم، جواب دادند که انشاء الله بهار، تمامی پادشاهان فرنگ را حکم خواهیم کرد که بر سر ترک روند، و بعد از آن جمیع درویشان خود را جمع نموده، نماز گذارده و دست برداشته دعای خیر جهت نواب کامیاب می کنند که انشاء الله این قوم ترک را از میان برداریم، تا میان ما و ایشان آمد و شد به فراخت بوده باشد، و نیز از گشتن ۱۹ خدمت گراندوک در آمدیم، و آنچه خدمت و عزت که بود کرد، و چند نفر از مردم اصفهان و قزوین اسیر کرده بودند، ایشان را به شش هزار فروش بهاء بردند و رفتند که زر بیاورند و ایشان را بخرند. حقیر بر احوال ایشان مطلع شدم که غلامان

علی بن ابیطالب اند، و رعایای نواب همایون اند و بنده از گراندوک طلب ایشان کردم. از خاطرات نواب به بنده بخشید (۱۷)».

فیلیپ سوم، پادشاه اسپانیا، از ماموریت خواجه صفر، وکیل نواب همایون، اظهار رضایت کرده و در نامه ای به شاه عباس نوشت:

«... انشاء الله در این روزه، خواجه مذکور را به درگاه عرش اشیاه روانه خواهیم کرد، و مشارالیه چون از جانب همایون شما اعتماد کلی داشت، نهایت عزت نموده، مدعیات او را به تقدیم رسانیده ایم و دیگر هر گونه کاری و خدمتی باشد، رجوع نمایند که سر انجام داده شود (۱۸)».

همچنین از طرف کاردینان بورومه، دوک ویز، دوک بزرگ تسکانا، نامه هائی به شاه عباس اول درباره ماموریت خواجه صفر فرستاده شد (۱۹).

خواجه صفر بعد از آنکه در ۱۰ ژوئیه ۱۶۱۹ م / ۱۰۲۸ هـ از شهر رم نامه ای به شاه عباس فرستاد، از راه دریا به هند رفت ولی از آنجا به علتی که معلوم نیست، به ایران بازنگشت، و پس از اقامت کوتاهی در متصرفات دولت پرتغال، به قلمرو حکومت پادشاه تیموری هند گریخت و عمال حکومت پرتغال جیبه ای را که حاوی نامه های پاپ و پادشاهان و امیران اروپائی برای شاه عباس و اوراق و اسناد دیگر بود و پس از فرار وی بدست آورده بودند، برای دن گاریا، سفیر اسپانیا در اصفهان فرستادند و او آن جعبه را در ماه رمضان همان سال در اصفهان به شاه عباس تسلیم کرد. شاه عباس نیز تمام نامه هارا، چنانکه رسم او بود، برای پیران تاده خلیفه فرقه کرملی برهنه پا که مقیم اصفهان بود، فرستاد تا ترجمه کند و اکنون سواد ترجمه بسیاری از آن نامه ها و گزارشهای دیگر، که از طرف این کشیش یا بازماندگان وی به کتابخانه ملی شهر تایل در ایتالیا سپرده شده، در دست است (۲۰).

علی رغم بازنگشتن خواجه صفر به ایران، اما او توانست ماموریت خود را به نحو احسن انجام دهد.

شاه عباس جهت فروش ابریشم، از میان تجار ارمنی، آنها را که قابل ترمی دانست انتخاب و به هر یک به اندازه اسناداش، بارهای ابریشم تسلیم می نمود تا به معالک اروپائی بروند و آنها را بفروشند و بعد از مراجعت قیمتش را به نرخی که شاه از روی انصاف معین کرده بود، بپردازند و هر چه دخل کرده باشند، عومس خرج سفر و حق الزحمه خودشان بردارند (۲۱).

شاه عباس به منظور تقویت و تداوم فعالیت بازرگانان ارمنی، فرامین متعددی صادر نمود. از جمله آنکه در سال ۱۰۳۶ هـ به بیگلیگی قندهار دستور داد، نجار ارمنی که عازم هندوستان هستند، جهت حمل بار آنها مساعدت بعمل آورند و چنانچه نامه ای از سوی کلانتر جلفا، خواجه نظر در دست داشته باشند، به آنان حق عبور دهند (۲۲).

مرگ شاه عباس اول، در سیاست دولت صفوی نسبت به طیفه بازرگانان ارمنی تغییر جدی وارد نکرد، شاه صفی همانند شاه پیشین به سیاست حمایتی از ارامنه ادامه داد و نه تنها امتیازات قبلی بازرگانان ارمنی را حفظ کرد، بلکه حقوق و انحصارات جدیدی نیز بر ایشان قائل شد. وی در سال

۱۰۲۱ه فرمائی «خطاب به حکام و داروغگان بلاد و محال و ضابطان اموال صادر کرد و در آن تاکید نمود که جماعت مسیحیه ارامنه جولاهه به سرکار خاصه شریفه متعفی و منسوبند و عاطفت نواب همایون دربارہ جماعت ارامنه مذکور درجه اعلی دارد و سپس ادامه می دهد: «اگر چنانچه یکی از تعارض در انتهای مسافرت، فوت شود، هیچکس حق نزدیک شدن به مال التجاره وی را ندارد» (۲۳).

در فرمان مورخ ۱۰۴۳ه به ضابطان و مستاجران و مستحقان شوارخ دستور داده شده، وجوه راهداری را موافق دستورالعمل باز یافت نموده و طووری رفتار نمایند که تجار و مترددین با رفاه حال به امر تجارت مشغول باشند و از نسکایت که موجب نارخواست است، اندیشه نمایند (۲۴). در فرمان شماره ۴ آمده، بواسطه خدماتی که زبده الاشباه المسیحیه خواجه کرکوس ولد خواجه خاجیک و اوید برادر او در الکاه روم و هند و فرنگ و انگلیس و ولندیس نموده، می بایستی در هر محلی که احتیاج به کمک داشتند، به ایشان امداد نمایند و به کمپانی انگلیس توصیه نموده، چنانکه آنان بخواهند از طریق اقیانوس هند به ایران بیایند، زمینه های ورود آنها را مهیا کنند (۲۵).

بر طبق عریضه یکی از تجار جلفا موسوم به خواجه مراد جلفائی می نویسد که در وقت عریضه یکی از تجار راهداران، شاه صفی فرمانی صادر کرده و وجوه راهداری را طبق دستورالعمل دیوان باز یافت نمایند و مزاحمت خلاف حساب به حال تجار نرسانند (۲۶).

شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۲ه به مناسبت جلوس خود به تخت سلطنت، به دلیل انتقادات زیادی که نسبت به حواجه سرافراز کلانتر جلفا داشته، یک فبا و بالاپوش زربفت به مبلغ ۱۲ تومان توسط میرزا فنی غلام خاصه شریفه به وی پیشکش کرد (۲۷) و به مانند شاه صفی، فرامینی در جهت کاهش وجوه راهداری از ارامنه صادر کرد (۲۸) و در اختلاف تجاری ارامنه با باجدار مسلمان، به نفع آنان صدور حکم نمود (۲۹).

در زمان شاه سلیمان، به گفته شاردن وضع دگرگون شد، و از آن همه نعمت و ثروت کاسته شده، اما هنوز هم میان ارامنه، خاندانهای دولتمداری که دارانشان بیش از یک میلیون لیور است، کسانی وجود داشتند (۳۰).

جان فرایر (John Fryer) سیاح انگلیسی که در ایام حکومت شاه سلیمان به ایران آمده، می نویسد: «در این زمان تجار معتبری در میان ارامنه وجود دارد که میزان ثروت آنها بالغ بر صد هزار تومان است و بارنج و زحمت بسیار این اموال را بدست می آورند» (۳۱).

در دوره شاه سلیمان بر خلاف زمان قبل، ارامنه حق ورود به داخل اصفهان جهت دادوستد کالاهایشان را نداشتند و محدودیت ها و فشارها نسبت به تجار ارمنی افزایش یافت (۳۲) و به گفته شاردن سطح درآمد جلفائیان کاهش یافت (۳۳).

در ابتدای قرن ۱۸م در ایام حکومت شاه سلطان حسین، به دلیل عدم حمایت درباری و ناامنی در سراسر کشور، ارامنه دیگر رغبتی به تجارت با ایران نشان نمی دادند و جلفا، اهمیت تجاری و اقتصادی خود را از دست داد،

بطوریکه قبل از حمله افغانها، مهاجرت ارامنه به کشورهای دیگر افزون شد و تعدادی از تجار ارمنی به هندوستان مهاجرت کردند. مثلاً پطرس اسکاتیان (Petros Oskanian) از خانواده معروف جلفا در سال ۱۷۲۰م (۱۱۳۳ه بگ ناجر معروف در مدرس شده بود و با کمپانی هند شرقی همکاری می کرد و انحصار تجارت مدرس و دیگر نواحی را در دست داشت (۳۴).

### ب) آگاهی تجار جلفا از فنون تجارت

به سبب اهمیت تجارت در جلفا، به عنوان شغل اصلی جلفائیان، در سال ۱۶۸۷م / ۱۰۹۸ه کتاب «مجمع جهان» یا «اطلاعاتی جهت استفاده تجار» توسط گسنت جوقایسی تألیف گردید که اثری برای بازرگانان تازه کار ارمنی بود. در این کتاب، اوزان و مقادیر، واحدهای پولی و مطالب مفصل درباره تجارت کشورهای مختلف بیان شده است (۳۵). می تردید می توان گفت که این اثر یکی از منابع بسیار مهم درباره تجارت بین المللی ارامنه در قرن ۱۷م / ۱۱۷۰ه می باشد. خواجه پطرس فرزند خاجاطور جلفائی، نیز کتابی در زمینه «تجارت خارجی» نوشت.

همچنین یک باب مدرسه بازرگانی به کوشش گسنت جوقایسی در جلفای نو تأسیس شده که در دوران حیات خود بیش از ۲۵۰ نفر فارغ التحصیل داشته است. بازرگانان آنی در این مدرسه به تحصیل «حساب، قرائت، کتابت و توصیه هایی برای بازرگانان» می پرداختند. بازرگانان ارمنی که اروپا، آسیا، آفریقا را می نمودند از خصوصیات شخصی این حرفه نیز برخوردار بودند. آنها در حین مسافرت های شخصی خود، خاطرات و سفرنامه تنظیم می کردند و یکدیگر جریات مربوط به راههای بازرگانی اوران، و مقادیر، انواع مالیتهایی که از تجار اخذ می شد و جز اینها را که توسط خود خواجه ها و همکارانشان مورد استفاده قرار می گرفت، تشریح می نمودند (۳۶). برای نمونه ذکر یا آگولسی یکی از بازرگانان ارمنی که مشغول تجارت از طریق بناده های ارتباطی زمینی بود، چنان دفتر خاطراتی به یادگار گذارده است که به طور شگفت انگیزی اطلاعات صحیح و موثق در آن انعکاس یافته است. آگولسی می نویسد: «این دفتر را تنها با یک سفر نوشتم، در سال ۱۶۴۶م از آگولسی خارج شده تا سال ۱۶۶۷م به گشت و گذار پرداختم و با طرح پرسشهایی بطور موثق نگاهشتم... در سال ۱۶۶۷م به لطف خداوند، این دفتر را پس از اصلاحات لازم فراهم نمودم. باز هم این حقیر، ذکر یا اگر شهر و دیار و خشکی را ندیده بودم، نوشتم، اما جاهایی که رفته بودم نوشتم و نادیده ها را نوشتم» (۳۷).

البته باید گفت اگر چه تجار ارمنی برای خود قوانین خاصی داشتند، اما بطور کلی تجارت آنها تحت تاثیر ایرانیان بوده است، این مطلب را می توان از کثرت اصطلاحات فارسی در مجموعه لغات تجاری جلفا دریافت. بنابراین تجارت ارامنه می بایست به عنوان بخشی از اقتصاد صفویه مورد بررسی قرار بگیرد.

### ج) ایجاد و گسترش مهاجرنشین های ارمنی در آسیا و اروپا

در مجموعه جغرافیائی «مجمع جهان» یا «اطلاعاتی جهت استفاده تجار»

ارمنی در آنجا فعالیت‌های تجاری داشتند و تشکیل کانون‌های مهاجرنشین ارمنی می‌دادند: هر ایران و قفقاز: اصفهان، مشهد، تبریز، رشت، گیلان، مازندران، لاهیجان، عربستان (خوزستان)، بصره، بغداد و موصل، قریباغ، شیروان، شماخی، در آسیای میانه و شمال هند: بلخ، بخارا، قندهار، غزنه، پشاور، کابل، کشمیر، در عثمانی: قسطنطنیه، بورسا، آدنا، زمیر، توقات، ارزروم، در آفریقا: حبشه، در اروپا شامل کشورهای فرانسه، انگلستان، اسپانیا، پرتغال، هلند، لهستان ...

آنگاه گسستانت می‌نویسد: «از شرق تا غرب، مولتان، لاهور، جهان‌آباد، اکبرآباد، خورجا و هندوان، بنگال، بنارس، قاضی پور، جلالپور، شاهزاده پور، خیرآباد، دارآباد، دولت‌آباد، سرنج، بهرام‌آباد، سورات، گجرات، اورنگ‌آباد، حیدرآباد، سیلان، بانابویا، جاکارتا، مانیل (۳۸)»

بدین ترتیب ارمنه، بالخصوص تجار جلفا در همه جای جهان بودند و در حین فعالیت‌های تجاری خود با کشورهای و مردمان مختلف تماس می‌یافتند.

#### د) قناعت پیشینی ارمنه در طول سفرهای تجاری

به گوامی «شهره کارشناس مسلم تاریخ بازرگانی بین‌المللی» بازرگانان ارمنی سده ۱۷م را جسور، بی‌شرو و کوشا، و آشنا به مصائب و دشواریها قلمداد کرده است (۳۹).

خواججه‌های ارمنی، با بی‌اعتنایی نسبت به دشواریها، صبر و شکیانی، تلاشگری و زحمتکشی و پشتکار زیاد در راه رسیدن به هدف، از هیچ کوششی فروگذاری نمی‌کردند.

بازرگانان ارمنی در شرایط و اوضاع و احوالی که از آن دشواری ممکن نبود، به آداب و سنن قرن‌های گذشته خود ادامه می‌دادند. کار پردر سراسریشان شامل سفرهای تجاری و ارسال کالاهای که اغلب سالها به طول می‌انجامید و مستلزم شجاعت روحی و استقامت جسمی بود، چنانکه تورن فورث (Toumefort) می‌نویسد:

«ارمنه در سفرهای خود خستگی نمی‌شناسند و سختیها و ناملایماتهای فصول را تحقیر می‌کنند. ما از آنان و از ثروتمندترینشان دیده‌ایم که با پای پیاده به رودخانه‌های بزرگ می‌زدند، تا جایی که آب به زیر گردنشان می‌رسد، تا اسپهانی را که در زیر بار سنگین از پای افتاده بودند، بلند کنند و بسته‌های ابریشم متعلق به خود یا دوستان خود را نجات بدهند ... هیچ چیز بهتر از دیدن این منظره به آدم درس فضیلت و تقوی نمی‌دهد که ببیند این بازرگانان در طول سفر با چه نیت پاک و ناشی از خیر و احسان به یکدیگر و حتی با همکارانشان از ملت‌های دیگر کسک می‌کنند (۴۰)»

ناورنیه، روحیه صرفه‌جویی و قناعت پیشینی ارمنه را عامل پیشرفت تجاری آنها می‌داند:

«ارمنه بواسطه اسساک فوق‌العاده و قناعتی که دارند، با از روی صفات حسنه با خست بهر حال وجودشان در کار تجارت خیلی نافع است. وقتی که برای سفر طولانی از خانه بیرون می‌روند، آذوقه و ذخیره که با خود بزمی دارند، عبارت از نان خشک، گوشت دودزده، پیاز، روغن داغ کرده، آرد، شراب و آجیل است.»

ایامی که در پرهیز نداشتند، هرگز گوشت تازه نمی‌خورند، مگر اینکه بر کوهستانها سره و بزغاله شبینی ارزان بدست آورند. هیچ ارمنی نیست که تورماهیگیری نداشته باشد، همینکه به کنار رودخانه می‌رسند، مشغول صید ماهی می‌شوند. حمل آذوقه برای آنها خرجی نداد. برای اینکه هر کس شش شتر برای مال‌التجاره کرایه کند، یک شتر مجاناً برای حمل آذوقه به آنان داده می‌شود. به هنگام ورود به شهری، چند نفر یک اتاق کرایه کرده و در صرف آذوقه خود مهارتی دارند (۴۱) ...

کاری می‌نویسد: «آنها بقدری قانع و مقتصدند که در سفر، پول ته جیب آنها می‌روید (۴۲)»

#### ه) همکیشی ارمنه با دول اروپائی و تسلط آنها به زمانهای مختلف

به گفته شاردن، «ارمنه در نظر شاه عباس بزرگ برای رونق بخشیدن به کار بازرگانی مردمانی مستعد و برای تجارت با عثمانیها و مسیحیان مناسب بودند. زیرا آنان در نظر عثمانیها بقدر ایرانیان منظور نبودند و با مسیحیان هم‌کیش بودند (۴۳)».

شاردن در جای دیگر می‌نویسد: «طبع و خوی بعضی تجار ایرانی شهوتی و عشرت‌جوست، برخی فلسفه‌گرایند و میل و حوصله تجارت با بیگانگان را ندارند. از این رو کار بازرگانی خارجی عثمانی وسیله تاجران مسیحی و یهودی انجام می‌گیرد و داد و ستد با کشورهای خارجی را در ایران، غالباً محدود به اطراف و ولایات داخلی هندوستان است، و این تعارض بدین جهت است که تاجران مسلمان ایران در صورت مشارکت و هم‌کاری با بازرگانان ارمنی به خوبی و درستی نمی‌توانند آداب و احکام مذهبی خویش را رعایت کنند. احکام دین اسلام، مسلمانان را از خوردن گوشت گوسفندی که به دست غیرمسلمان کشته یا تهیه شده باشد، بانام مسلمانان بدان دست زده باشد، نهی می‌کند و آب خوردن مسلمان را از لبوانی که غیرمسلمان با آن آب نوشیده باشد، منع می‌نماید ... حتی در بعضی موارد، تماس دست یا جامعه مسلمانان با افراد غیرمسلم منع مذهبی دارد، و در چنین شرایط فعالیت بازرگانان مسلمان ایرانی در کشورهای که دینشان از آنها جداست دشوار، بل ناشدنی است (۴۴)».

علاوه بر همکیشی و فرابت مذهبی ارمنه با مسیحیان اروپا، ارمنیان، در کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ تجاری نه تنها به عنوان عاملان تجاری اروپاییان، بلکه به صورت مترجمانی که به چند زبان تسلط داشتند، به کار می‌پرداختند و زبان ارمنی که یکی از زبانهای متداول بین کانون‌های مهاجرنشین ارمنی در اقصی نقاط جهان بشمار میرفت، تکلم می‌کردند، گذشته از آن، ارمنیان زبان‌شناسان ماهری بودند بیشتر تجار ارمنی، فارسی و ترکی را می‌دانستند و تعدادی از آنها قادر به صحبت کردن به زبانهای ایلیاتی و فرانسوی بودند. زبان فرانسوی در مدارس جلفا توسط زوئیت‌ها و کاپوسنها تدریس می‌شد (۴۵).

بهر حال ارمنیان برای تاجران خارجی که خواهان تجارت با ایران بودند، بسیار مفید واقع شدند. بدلیل آنکه اولاً به آئین و رسوم دربار ایران

آشنایی داشتند، ثانیاً به عنوان مترجم انجام وظیفه می کردند (۴۶).

## و انتقال خانواده گسترده جلفانی در توسعه تجارت

ساختار خانوادگی ارمنه جلفا که از مشهورترین تجار بین المللی ایران در عهد صفویه و یکی از برجسته ترین جوامع تجاری موفق در آسیا بودند، از مسائل قابل توجه می باشد.

ادموند هرزیک (Edmund Herzog) در مقاله ای تحت عنوان «خانواده و سازمان تجاری ارمنه جلفا» به نقش خانواده گسترده ارمنی در پیشرفت تجاری جلفا می پردازد (۴۷).

وی به نقل از اوینگتون (Ovington) سیاح انگلیسی می نویسد:

«ارمنه در جهان عموماً بازرگان هستند. آنها متمدن و صنعت پیشه اند. زانشان یکی از متداولترین زبانها در تمام آسیاست و فعالتهایشان را از طریق خانواده ها و افراد خصوصی تا اقصی نقاط جهان چون ایران، سرزمین مقدس، مصر، روسیه و هلند گسترش می دهند (۴۸).»

کارت رایت (Cartwright) توصیف دقیق از یک خانواده ارمنی می دهد:

«خانواده هایشان خیلی گسترده است، پسرها، نوه ها و نتیجه ها هم در زیر یک سقف با هم زندگی می کنند، وسایل زندگیشان مشترک است و هنگام فوت پدر، فرزند ذکور ارشد، سرپرستی خانواده را برعهده می گیرد و همه مکلف به تابعیت از او هستند. بعد از فوت پسر ارشد، سرپرستی خانواده به برادر بعدی و اگر برحسب اتفاق، تمام برادران بمیرند، مسئولیت خانواده به بزرگترین پسر فرزند ارشد می رسد (۴۹).»

از خصوصیات خانواده ارمنی، تابعیت محض اعضای خانواده از سرپرست خانواده می باشد. برادران می بایست به هم احترام بگذارند و پسران وابسته اقتصادی سرپرست خانواده بودند، مگر آنکه از طریق قانونی، عمل جدا شدن از سرپرست خانواده رادر دادگاه محلی انجام داده باشند.

در آن صورت فقط می توانند، مستقلاً به تجارت و داد و ستد بپردازند. در بین ارمنه رسم بود که اگر چنانچه فرزندی در خارج از کشور بسر می برد، جهت پشتیبانی از وی، سرمایه ای به او می دادند و هیچکس اربرادران و یا خود والدین، نمی توانست مدعی شود که سرمایه به او تعلق دارد (۵۰).

متداول آن بود که پسران در اتحاد با پدرشان، و یا برادرشان، در زمان فوت پدر باقی می ماندند. به عبارتی دیگر، خانواده ارمنی، یک خانواده پدرسالار گسترده ای بشمار می رفت که به مثابه یک واحد محکم تجاری عمل می نمودند و رابطه تنگاتنگی که بین اعضای خانواده ها وجود داشت، به توسعه تجارت کمک می نمود (۵۱).

طبیعی است حوفه تجارت بدون وجود یک شبکه تجاری قابل اعتماد نمی تواند توسعه یابد، لذا خانواده طبیعی ترین راه حل ممکن بنظر می رسد. از سوی دیگر عامل تابعیت و اعتماد که ناشی از عرق خوئی و خویشاوندی بود، تضمین کافی برای امانتداری و درستکاری افراد بشمار میرفت. به دلیل گسترده بودن خانواده، هر یک از اعضا، به ایجاد تجارتخانه ای در یک گوشه از جهان دست می زدند. به عنوان مثال تجارتخانه شاهریمانیان، حداقل بیست شریک از سه نسل خانواده اصلی داشت. مرکز اصلی تجارتخانه جلفا بود و شعباتی در ونیز، لیورنو و سورات داشت.

از نظر هرزیک، پیوندهای خانوادگی برای تجار، این امکان را فراهم می آورد که سرمایه هایشان رادر واحد مستقل متمرکز نمایند و حتی این امر تا فوت تاجر اصلی نیز ادامه می داشت و تا چندین نسل، مشارکت ادامه پیدا می کرد (۵۲).

نتیجه آنکه، خانواده نه تنها یک کانون زندگی بود، بلکه کارکرد مهم آن، به مثابه یک واحد تجاری بود که اصل وفاداری و تابعیت محض، منجر به رونق توسعه تجاری ارمنه می گردید.

## ۱- رونق و فرمان شاه عباس اول مورخ ۱۰۳۶ هـ

حکم جهان مطاع شد آن که، ابالت و شوکت ساحت و جلالت دستگاه عالیجاهی از برادر و الاجاه علیمردان خان بابای ثانی بیگلربیگی فندهار، چون ارمنه جولاهی به عزم تجارت هندوستان وارد آنجا می شوند، می باید، مقرر دارد که در محل مراجعت بدون رضای نجار مذکور بار ایشان را نگشایند و اگر هر آدمی به تجارت برود و فرموده فی زبده الاشباه خواجه نظر جولاهی در دست داشته باشد، یعنی او را اعتبار نموده، مانع نشود و پول غلام سیاه که همراه داشته باشد، طلبی نکرد، به عرض برساند، درین باب قدغن دانسته، در عهد دانند. تحریراً فی رجب المرجب ۱۰۳۶

## ۲- فرمان شاه صفی مورخ ۱۰۴۱ هـ

فرمان همیون شد آن که، حکام و داروغگان بلاد و محال و ضابطان اموال غایب بلاوارث و غیره ممالک محروسه بدانند که جماعت مسیحیه ارمنه

جولاه به سرکار خاصه شریفه متعلق و منسوب اند و شفقت و عاضطت نواب همایون درباره جماعت از ارامنه مذکوره در جه اعلی دارد، می باید که تجار و مزدین جولاهی که به جبهه تجارت و سودا و معامله به هر طرف و هر ولایت از ممالک و بلاد، آمدند نمایند، اگر احیاناً احدی از ایشان در محلی فوت شود که وراثت شرعی او یا ملازم و کسی معتمدی بر سر مال او نباشد، حاکم آن محل و غیر ذلک اصلاً و مطلقاً بر سر مال و اسباب او نرفته، پیرامون نگردند و به علت آنکه مبادا فوت و فرو گذاشتی شود که حل سازند و گذرانند که وراثت شرعی یا ملازم معتمدی که همراه است اموال او را صاحبی نموده، به منزل برساند و نوعی نماید که به هیچ من الوجوه احدی را دخلی در مال ارامنه مذکور نبوده باشد و وارثان و معتمدان خود که همراه اند، ضبط نمایند. درین باب اهتمام العلیه العالیه چنان نمایند که ارامنه مذکور را درین باب شکوه و شکایتی نبوده باشد، درین باب قدغن نمایند، در عهده جاری سازند. تحریر آفی شهر جمادی الثانی ۱۰۴۹

### عرضه دانست بنده کمترین، خواجه مراد جولفانی اچلفانی

به ذروه عرض می رساند که معلوم باشد که حرور قماش بار که پنجاه تومان ارزش دارد، راهداران شش تومان می گیرد، جام حلبی که خرواری هشت تومان قیمت است، خرواری راهداری، سیصد دینار می گیرد و یک خروار اسقر لاط اقبست سی تومانست، راهداری هشتصد دینار می گیرند و خروار نیل را بیست تومان، ینجاه دینار می گیرند و الحال جماعت راهداران ستم کلی و آزار بسیار به فصران می رسانند که باعث بددعایی می شود، استدعا آنست که به صدقه فرق مبارک نواب اشرف اقدس همیون که به حقیقت بر سندی و حکم عدالت، دستور عملی شفقت نمایند که جماعت راهداران و گماشتگان راهها، آنچه قانونی است از راه بازیافت نمایند و ستم و آزار و خرج زیاده ازین قهرمان بازیافت نمایند. عندالله و عندرسوله صادر نخواهد شد.

### ۳- فرمان شاه صفی مورخ ۱۰۴۳ هـ

حکم جهان مطاع شد آن که، مستاجر و ضابط و جوه راهداری طرفی و شوارخ و جبه مذکور را موافق دستور العمل دیوان بازیافت نموده، زیادتی نطلبند و مزاحمت خلاف حساب به حال تجار خریدار نوسانند و از فرموده در نگذرند و از بازخواست اندیشه نمایند، درین باب قدغن نمایند، تحریر آفی شهر محرم الحرام سنه ۱۰۴۳

### ۴- رونوشت ظفرای شاه عباس ثانی مورخ ۱۰۷۶ هـ

چون حکم عالم کردشاهی و فرمان جهان نورد پادشاهی لازال محروساً عون عن انشاهی عرامثال یافته که زبدهی الاشباه التمیحیه، خواجه کرکوس و نذاجبیک و آوند برادر او خدمات و فرموده در انکاء، روم و هند و فرنگ و انگلیس و ونندیس به انجام رسانیده، سامان یمانند، می باید که در هر ولایت امداد و اعانتی که لازم بوده باشد درباره ایشان خصوص در محافظت اموال مشارالیهها به تقدیم رسانند که نقصانی برایشان واقع نشود و هر گاه که مومی الیهها از راه دریای هند لارده آمدن به مسائل معروفه حاقاتی نمایند، حکومت و رفعت پاهان امارت عزت دستگاهان کمیاتیان انگلیس و ونندیس امداد نمایند و چون نشان عالیشان قاننی و فرمان واجب الاذعان صاحبفرانی به توفیق و قیام اشرف ارفع اعلی مزین و محلی گردد، اعتبار و اعتماد نمایند، کتب بالامر الاعلی اعلاه و خلد نفاذ فی ربیع الثانی سنه ست و سبعین و الف من الهجرة المقدسه علی مهاجرها السلام و التوجه. بدار السلطنه اصفهان حضرت جما بالامن و الامان



## ۵- فرمان شاه عباس ثانی مورخ ۱۰۵۲ هـ

حکم جهان مطاع شد آن که، عمده المسیحیه خواجه سرافراز کلانتر ارمنه جولاهی ساکن اصفهان به شفقت شاهانه مفتخر و سرافراز گشته، بداند که بنا بر ازیاد و توجه اشرف درباره او، یک ثوب قبا و یک ثوب بالاپوش زرینت مصحوب میرزاقلی غلام خاصه سرفراز جریدار فرستاده شد که مبلغ دوازده تومان به مزده جلوس میبنت مانوس در وجه انعام به عرض مشارالیه از مال خود رسانیده، در تحصیل دعای حیر جهت ثواب همایون به تقصیر از خود راضی نشود و در عهده داند و چون رقم به مهر آثار اشرف رسد، اعتماد نماید. تحریراً فی شهر شوال سنه ۱۰۵۲

## ۶- فرمان شاه عباس ثانی مورخ ۱۰۵۳ هـ

حکم جهان مطاع شد آن که، چون پدر و سر ارمنی جولاهی ساکن دارالسلطنه اصفهان به دیوان آمده، عرض نمود که به امر تجارت مشغول است و راهداران شوارح و جوه راهداری را که موافق دستورالعمل دیوان برین موجب است لارقام به سیاق نوشته شده است، از زیاده طلب می نمایند، بنابراین مقرر فرمودیم که راهداران شوارح دارالسلطنه مزبور و سایر محال و جوه راهداری را موافق دستورالعمل دیوان باز یافت نموده، چیزی زیاده طلب ندارند، به عهده حکام هر محل که امداد حسابی بجای آورند و در عهده شناسند. تحریراً فی شهر صفر سنه ۱۰۵۳

## ۷- فرمان شاه عباس ثانی مورخ ۱۰۵۶ هـ

فرمان همایون شد، آن که، چون زبده الامائل والاشباه، خواجه سرافراز جولاهی معروض داشت که حسن بیک لک و ملک خان نظر و ندامام قنای بیک و عمره شیروانی مبلغ سیصد تومان تبریزی به موجب تمسکات شرعی و اسناد معتبره از مال او قرض نموده اند و شرط شرعی نموده اند که بعد از چهار ماه نماینده الحال مدت پنج است که موعد مقضی شده و وکیل او در شیروان مدتست که جهت وصول وجه مزبور نوفک کرده و جماعت مزبوره در آن تعلل نامشروع می نمایند، بنابراین مقرر فرمودیم که ایالت و شوکت پناه، حشمت و جلالت دستگاه عالیجاه، نظاماً لایاله و الاقبال خسروخان بیگنریگی شیروان در حضور متصدی شریعت به حقیقت رسیده، موافق شرح انور آنچه از مال او نزد جماعت معینه آنجا بوده باشد، بعد از بیوت و لزوم شرعی، موافق تمسکات و اسناد معتبره شرعیه مقرر دارد که تسلیم وکیل او نموده، به علو خلاف شرح موقوف نداند و نوعی نماید که حق نمن له الحق عادل و اصل گردد و امری خلاف حساب به ظهور نرسد. درین باب قدغن نماید، در عهده شناسند. تحریراً فی شهر شوال ۱۰۵۶

## ۸- فرمان شاه عباس ثانی مورخ ۱۰۵۸ هـ

حکم جهان مطاع شد آن که، ایالت و شوکت پناه، حشمت و جلالت دستگاه، عالیجاه نظاماً لایاله و الشوکه و الاقبال، کیخسروخان، بیگلربیگی جخور سعید بداند که عمده المسیحیه خواجه سرافراز جولاهی به عرض نمود که به موجب تفصیل علیحده از جمعی به جهت آن ایالت پناه، مبلغی به موعد شش ماه مساعده نموده، الحال یکسال و نیم از موعد مزبور گذشته و در مهم سازی وجه طلب مزبوره به خلاف حساب تعلل و تأخیر می نماید و از باب طلب، مزاحمت به حال مشارالیه می رسند. بنابراین مقرر فرمودیم که هر گاه مشارالیه به موجب تفصیل مذکور وجه را از آن ایالت پناه، صاحب طلب بوده باشد، مهم سازی گماتنه رفعت پناه مزبور نموده، به عذر خلاف حساب موقوف ندارد، درین باب قدغن نماید و در عهده شناسند. تحریراً فی ربيع الاول ۱۰۵۸

**پی نوشت ها:**

۱۳۲. کاشک: رفعت پناه لوله بنگ به جصاعت تجار فرنگ و از آنکه که آبروی فرامغان به  
 مملکت محروسه در آید و به مهم خود قیام نموده، سنه ۱۰۲۳  
 ۲۳. فرمان شماره ۲  
 ۲۴. فرمان شماره ۳  
 ۲۵. فرمان شماره ۴  
 ۲۶. فرمان شماره ۵  
 ۲۷. فرمان شماره ۵  
 ۲۸. فرمان شماره ۶  
 ۲۹. فرمان شماره ۸ و ۹ نمونه های بسیاری از این قطعه ها و تافان نامه های تجاری  
 برای حل و فصل دعوی تجار در کلیسای وانک اصفهان موجود است.  
 ۳۰. شاردن، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۶۹  
 ۳۱. Fryer, John, A new account of East India and Persia being thirty years travels,  
 ۳۲. A chronicle of persia, Vol. 1, London, ۱۶۳۹, Vol. ۱, P. ۳۰۷  
 ۳۳. شاردن، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۷۲  
 ۳۴. Mesrob Beth, 'The Armenians in the India', Calcutta, ۱۹۷۲, P. ۱۸۰-۱۸۷  
 Ashkharoghovna' (Quoted by: Hovhannesian, PNL, P. ۱۵۹, No. ۵۸۲, Vanak  
 ۳۵. Godant,  
 و نیز: ک. بابیوردیان، پیشین، ص ۷۳  
 ۳۶. بسیاری از این اسناد و یادداشت های تجاری در کلیسای وانک موجود است.  
 ۳۷. ناسور دیان، پیشین، ص ۸۴، نقل از:  
 ۱۹۳۸, Erevan, 'Zakaria, "Chaghatu" Agulets  
 ۳۸. Costant, Citad, Quoted by: Hovhannesian, PNL, P. ۱۵۹  
 و نیز: ک. بابیوردیان، پیشین، ص ۲۶  
 ۳۹. ناسور دیان، پیشین، ص ۷۵، نقل از:  
 Schaeers, 'Histoire du Commerce de Tous les Nations', Paris, ۱۸۵۷, P. ۲۶  
 ۴۰. پاسدرماجیان، تاریخ ارمنستان، ص ۳۰۱، نقل از:  
 Piton de Tournefort, 'Relation des Voyages du Levant', ۳ Vol  
 Paris, ۱۷۱۷, Vol. ۱, P. ۳۵۲  
 ۴۱. تاورنیه، پیشین، ص ۲۰۶ و نیز: ک. شاردن، پیشین، ج ۴، ص ۹۱  
 ۴۲. کازری، پیشین، ص ۱۰۰  
 ۴۳. شاردن، پیشین، ج ۴، ص ۱۵۷۲  
 ۴۴. همانجا، ج ۲، ص ۹۱  
 ۴۵. ک. تاورنیه، پیشین، ص ۴۰۸، کازری، پیشین، ص ۱۰۱  
 - Carswell, New Julia: the American Churches and other Buildings, Oxford, ۱۹۶۸, P. ۴۴  
 ۴۶. Julia Americana', Etudes Satevidas, Jean Calmeid, Paris, T. ۱, ۱۹۹۲, P. ۱۸۷-۲۰۶  
 ۴۷. Herzog, Edmund, M. 'The Family in the communal organization of the  
 in the year ۱۶۸۹', ed: H.G Rawlinson, London, ۱۹۲۲, P. ۳۳, Quoted by: Herzog, ibid  
 ۴۸. Ovington, A. 'A Voyage to swat  
 ۴۹. Cartwright, Citad, P. ۱۶, Quoted by: Herzog, ibid  
 documents', Revue des Etudes Armeniennes, new series, III, ۱۹۶۹, P. ۳۵۲-۳  
 Rooy, 'Armenian Merchant habits as mirrored in the ۱۷th-18th Century Amsterdam  
 ۵۰. Van  
 ۵۱. Herzog, Citad, P. ۱۶۰  
 ۵۲. Herzog, Citad, P. ۱۶۰

۱- برای آگاهی بیشتر به مقاله ذیل رجوع شود:  
 the Social and Economic Persia since Zenth, Iranian Studies, Vol, XI, ۱۹۷۸, P. ۹۸-۹۸  
 Benart, Armin, Reflections on  
 این مقاله با مشخصات ذیل به فارسی بر گردان شده است:  
 نائی، امین، تأملاتی درباره ساختار اجتماعی و اقتصادی ایران در لوح دوره صفوی  
 مترجم: محمد علی رنجبر، اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۱۳۶، ص ۵۵-۶۲  
 ۲- فوران، جمال، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالیهای  
 پس از انقلاب اسلامی، مترجم: احمد تلین، تهران، رسد، ۱۳۷۷، ص ۶۱-۶۳  
 ۳- باستان یابری، اقتصاد و سیاست عصر صفوی، ج ۳، تهران، صفی، علیشاه، ۱۳۶۲،  
 ص ۱۲۶  
 ۴. Hovhannesian, H. Tor, 'Petroleum Mus. Anglus Vol Asaphan  
 P. ۱۵۶-۱۸۸, ۱۸۸-۱۸۸, ۲ Vol, New India,  
 (کتاب فوق به زبان ارمنی نوشته شده است.)  
 ۵- تاورنیه، پائیس، سفرنامه، مترجم ابوتراب نوری، با تجدید نظر حمید شیرانی،  
 تهران، ۱۳۳۶، ص ۵۹۶  
 ۶- اسکندر، سک توکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران،  
 اصفهان، تألیف و اسر کبیر، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۶۷۰  
 ۷- شاردن، ژان، سفرنامه، مترجم اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۵۷۲  
 ۸- بابیوردیان، واهان، نقش ارمنه ایران در تجارت بین المللی  
 سده ۱۷م، مترجم ادیک باغدادسازیان، تهران، مراه، ۱۳۷۵، ص ۴۰، نقل از:  
 ۹- فلسفی، ضمراله، زندگانی شاه عباس اول، تهران، علمی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۱۳۷-۱۱۳۷  
 Hovhannesian, PNL P. ۱۷۷  
 in 17th and Early 18th Century', Economic History, Vol. XXVI (1997), P. 10-12  
 - Forster, R. W., 'The Armenians and the East India Company in Persia  
 ۱۱- بابیوردیان، پیشین، ص ۴۴، نقل از:  
 la Palestine, L'Asie, les Indes orientales et autres lieux', ۱, IV, Rouen, ۱۷۹۵, P. ۱۶۲  
 Pietro della Valle, 'Voyages dans la Turquie, l'Egypte,  
 نقل قول فوق در ترجمه فارسی سفرنامه، ذکر نشده است.  
 ۱۳- نام سفر دنگیز بیگ روملو بود که به همراه آنتونیو دو گوان نام ناشر، خواجه صفی  
 آمده است.  
 ۱۴- تاورنیه، پیشین، ص ۴-۲۰۲  
 ۱۵- شاه عباس، فتحی بیگ (خواجه صفی) را که منصب کریم لقی داشت، به جمهوری  
 و نیز روانه کرد، نادر انجالی اجناسی برای او خریداری کند. این مرچیس از آنکه اجناس  
 را خرید، از طریق دریای مدیترانه و خاک، عثمانی، روم به ایران نهاد، ولی چون در راه  
 شنید که شاه عباس در آذربایجان و قفقاز بر مصروفات عثمانی ناخته، و آتش جنگ  
 میان دو دولت زمانه کشیده است، قسمی از آن اجناس را به بندر و نیز باز فرستاد  
 (فلسفی، پیشین، ج ۴، ص ۹۱)  
 ۱۶- کتابخانه ملی ناپلی، مکاتبات شاه عباس، ج ۱، چاپ عکسی به شماره ۸۳۶، کتابخان  
 مرکزی دانشگاه تهران، ص ۸۱ و نیز: ک. فلسفی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۴  
 ۱۷- کتابخانه ملی ناپلی، پیشین، ج ۴، چاپ عکسی به شماره ۸۳۷، کتابخانه مرکزی  
 دانشگاه تهران، ص ۷-۱۰۶ و نیز: ک. فلسفی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۳۹  
 ۱۸- همانجا، ص ۲۰۸ و نیز: ک. فلسفی، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۴۱  
 ۱۹- ک. به کتابخانه ملی ناپلی، پیشین، ج ۴، ص ۲۰۹  
 ۲۰- فلسفی، پیشین، ج ۳، ص ۳-۱۱۴۲، چاپ عکسی این مرسولات در کتابخانه مرکزی  
 دانشگاه تهران، به شماره ۹۸۳۸-۹۸۳۷-۹۸۳۶ موجود است.  
 ۲۱- تاورنیه، پیشین، ص ۲۰۵  
 ۲۲- رک فرمان شماره ۱ (ضمائم) و نیز: ک. کتابخانه ملی ناپلی، پیشین، ج ۴، ص ۳



بسم الله الرحمن الرحيم  
 انما عمده بيخه مرا در خلاصه اسرار است چه جلالی است  
 در عین است معجزه مرا در کشته بر اند که با باران زیاد تو چه شرف در باره او است

ز زینت مصروف است غلام خاتم بر نیام خرید در ارادتش

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی  
 مبین خواجه فلان بر زده جو کس نیست اگر کسی در وجه العالم میخواند

رعایت در تقییس دعای خیر خیر از اب عالی بقیه از خود را ضرر نماند

در عمده دانند و عین رسم کبیر فلان در زینت افکار  
 نور علی



عنوان کتاب: *تفسیر قرآنی جامع و مفصل از سوره نساء*

مؤلف: *سید محمد باقر خراسانی*

موضوع: *تفسیر قرآنی*

موضوع: *تفسیر قرآنی*

موضوع: *تفسیر قرآنی*

موضوع: *تفسیر قرآنی*

موضوع: *تفسیر قرآنی*

موضوع: *تفسیر قرآنی*

4134  
25 (180)  
1637  
4. 1637 (18)



178  
1637



Handwritten text in Persian script, likely a title or header, written diagonally across the page.

Handwritten text in Persian script, likely a signature or date, written diagonally on the right side.



Main body of handwritten text in Persian script, arranged in several lines across the center of the page.

Handwritten text in Persian script, written diagonally on the right side, possibly a signature or date.